

دور دنیا

آیا دیوار واقعا کمکی خواهد کرد؟

• خبرگزاری آسوشیتدپرس روز گذشته و در آستانه سفر دونالد ترامپ به‌منظور سرکشی به مرز میان ایالات متحده با مکزیک، با انتشار عکس‌ها و گزارشی از این مرز، مشکلات پناه‌جویان و شرایط حاکم بر این منطقه و مسائل سیاسی و اقتصادی مرتبط را بازتاب داده است. در این گزارش، عکسی از کودکان درحال بازی با بادکنک مقابل پلیس در کنار یک سرپناه برای مهاجران که مقامات مکزیکي به علت شرایط نامناسب بهداشتی دستور تعطیلی آن را صادر کرده‌اند و عکس مهاجران آمریکای مرکزی در حال جست‌وجو برای راه‌های فرار از حصارهای کشیده‌شده، منتشر شده است.

درحالی‌که رئیس‌جمهور آمریکا می‌گوید بحران امنیتی‌ای که در مرز ایالات متحده-مکزیک وجود دارد، فقط با صرف ۵٫۷ میلیارد دلار هزینه برای احداث یک دیوار برطرف می‌شود، دموکرات‌ها کاملاً با این بوده‌جه مخالف هستند و نانسی پلوسی، رئیس‌کنکره، احداث دیوار را «غیراخلاقی» خوانده است.



براساس این گزارش، دیوار به چند دلیل کمکی به حل مسئله نمی‌کند؛ اول اینکه مسئله مهم این نیست که فقط جلوی ورود پناه‌جویان جدید گرفته شود، بلکه باید دید با آنهایی که تاکنون و در سال‌های گذشته وارد شده‌اند و جمعیت بزرگی را تشکیل می‌دهند، چگونه باید رفتار کرد. چالش دیگر دعاوی حقوقی پناه‌جویان است که بعد از به‌قدرت‌رسیدن دونالد ترامپ تعدادشان به‌شدت افزایش پیدا کرده است. مشکل دیگر این است که بسیاری از پناه‌جویان از مرز نمی‌گذرند، بلکه با ویزا وارد می‌شوند و بالاخره اینکه حتی در صورت دیوارکشیدن هم معلوم نیست راه ورود پناه‌جویان غیرقانونی کاملاً سد شود و شواهد و سوابق تاریخی نشان می‌دهد که با وجود این هزینه و بار مالی بسیار زیاد، باز هم راه‌هایی برای عبور از دیوار پیدا خواهد شد.

شتر روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۹ دی ۱۳۹۷ ۲۰ جمادی‌الاول ۱۴۴۰ ۹ ژانویه ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۳۸ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۱ • اذان مغرب ۱۷:۲۸ • اذان صبح‌فردا ۵:۴۶ • طلوع آفتاب ۷:۱۵

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

آرکادیو اسکیوال



فروتنگاه مجازی معمرقند



@shahrvand.eshop

shahrvandeshop

sana

شرکت تجارت الکترونیکی ارتباط فردا



قادر باستانی

مدرس علوم ارتباطات اجتماعی

چند سالی است تولید مستندهای تاریخی درباره رویدادهای تاریخ معاصر باب شده است. نحوه اکران این مستندها و مباحث مربوط به آن، حکایت از پشتیبانی غیرمتعارف از سازندگان و دست‌اندرکاران آنها دارد. دسترسی سخاوتمندانه آنها به آرشیوهای ارزشمند رسانه ملی و خط فکری سوگیرانه آنها در کژروایتی وقایعی که اغلب مخاطبان شاهد عینی آن بوده‌اند، نشان می‌دهد این مستندهای تاریخی به صورت هدفمند برای برجسته‌کردن روایت مدنظر برای نسل جوان و نسل‌های آتی تهیه و تولید می‌شوند.

عارضه‌ای که در عرصه مستندسازی تاریخی- سیاسی دچار آن شده‌ایم، روایت‌های سیاه از تاریخ انقلاب اسلامی است. مثل همین مستندی که به‌تازگی برای تخریب هاشمی‌رفسنجانی تولید شده و در برخی دانشگاه‌ها برای جوانان به نمایش درآمده است. در این مستند یک دوره از تاریخ کشور سیاه، پُرآشوب و مشوش به تصویر درآمده که با واقعیت موجود هیچ‌گونه همخوانی ندارد. گرچه به‌ظاهر هدف سازندگان لجن‌مال‌کردن کارنامه هاشمی است؛ اما آنچه در تصویر- عمدی یا سهوی- عرضه

میدون و سوفیا

یک عمر منتظرم بگویم دوستت دارم سوفیا!



پوریا عالمی

سوفیا... عشقم... بین دختر! به این توجه کن که یک نماینده دانشمندی چندوقت پیش فحش را کشید به نگهبان یک اداره گمرک - اصلاً این هیچی!- بعد ویدئو داد که آن کارمند اداره آدم فلانی بوده و دست‌نشانده دشمن است! - این هم هیچی- بعد گفت با قوت‌شاپ فیلم را درست کردند - که این هم هیچی- بعد توی جلسه غیرعلنی مجلس داد زد باقی نماینده‌ها حواسشان باشد که نوبت آنها هم می‌شود و مردم جلوشان را خواهند گرفت - این هم هیچی!- رئیس مجلس هم گفت این‌طوری که نمی‌شود و سریع باید پیگیری شود - این هم هیچی!- بعد هم خبرگزاری مهر فیلم دوربین مداربسته را نشان داد که آن نماینده با یک فردی که در کار واردات خودرو بوده گویا آمده اداره گمرک- که این چیزها هم اصلاً به ما ربطی ندارد و مسائل شخصی نمایندگان است! - این هم هیچی!- اما سوفیا... سوفیا... سوفیا... اینها را ول کن این را کجای دلم بگذارم؟

نایب‌رئیس مجلس، کاندیدای فهرست امید مجلس (که ما رفتم تکرار کردیم و رای آوردند، رفند توی مجلس) رفته توی تلویزیون و به ضرص قاطع (ضرص به معنی ندان است و معنای دیگری ندارد) گفته که داریم به کجا می‌رسیم؟ یعنی بین این‌همه مشکل که مملکت دارد و این‌همه مسئله که زندگی مردم را سخت کرده، ایشان که اصلاح‌طلب هم هستند مهم‌ترین مسئله را تشخیص داده و رفته تلویزیون و گفته چرا باید جلوی نماینده مجلس را بگیرند؟ او رفته بوده گمرک نظارت کند! واقعا بروید سرچ کنید و ببینید که ایشان دارد توی شبکه ۴ خطوری حرف می‌زند که مجری تلویزیون (که اصولاً یک‌طوری مجری انتخاب می‌کنند که حتماً نظرش با نظر مردم فرق داشته باشد!) مدام می‌آید توی حرف نماینده اصلاح‌طلب مجلس و می‌گوید: آخه داداش! این نماینده حرف‌وحدیت داشت‌ها! گویا نرفته بود نظارت کنه‌ها... گویا با کسی رفته بودها!

نماینده اصلاح‌طلب مجلس را اما باید ببینی سوفیا! مرغش یک پا دارا! فقط می‌داند کسی نباید جلوی آن نماینده را می‌گرفته! او حالا هر کاری که داشته داشته! آدم حال می‌کند که می‌بیند اصلاح‌طلبان اصلاحات را از خود شروع کرده‌اند.

سوفیا... عشقم... شاید بگویی چرا این نامه را برای تو نوشتم؟ راستش سوفیا... من دیروز خواستم بیایم خانه شما! منتها دیدم بابات جلوی در است. من بهش گفتم در را باز کن! بابات گفت من که از تو دستور نمی‌گیرم! من گفتم شما بوق می‌خوری که از من دستور نمی‌گیری! بعد بابات من را از خانه پرت کرد بیرون. متأسفانه سوفیا... من نماینده مجلس نیستم که همه پشتم درآیند. من یک میدون دوم بخت‌برگشته‌ای هستم که یک عمر در صف ایستاده‌ام... یک عمر پشت در همه ایستاده‌ام... یک عمر دنبال هله‌پوک دویده‌ام... یک عمر منتظر بوده‌ام که نوبتم بشود که بتوانم زندگی کنم... یک عمر منتظرم که نوبتم بشود برسم به تو تا به تو رسیدگی کنم... تا یک عمر منتظرم بگویم دوستت دارم سوفیا. (کاش من هم مقام مسئولی چیزی بشوم سوفیا... در گمرک و در همه‌جا به روم باز می‌شود... فوش در قلب مردم به روم بسته می‌شود و پشت در اعتماد عمومی می‌مانم)، سوفیا... اما من میدون دوم هستم! عادت دارم همه دورم بزنند.

یادداشت

عارضه مُستندهای فیک

شده، سیاه‌نمایی ۳۰سال اخیر به چشم مخاطب جوان می‌آید. این مستند، در سالگرد ۴۰سالگی پیروزی انقلاب اسلامی، کشوری را روایت می‌کند که از سال ۶۸ هیچ روی خوش ندیده است. کاری برای مستضعفان صورت نگرفته، فاصله طبقاتی روزبه‌روز بیشتر شده، مسئولان اجرایی کشور عملکرد فاجعه‌باری داشته‌اند و یک نقطه مثبت و قابل اتکا در این ۳۰ سال وجود نداشته که ارزش نشان‌دادن داشته باشد.

عده‌ای با اهداف و اغراض خاص، کشور را به عارضه مستندهای فیک مبتلا کرده‌اند و شوربختانه نتیجه آن وفق مرادشان نبوده است. به‌این‌دلیل که مخاطب امروز منفعل نیست. به انواع رسانه‌ها و پیام‌ها دسترسی سهل و آسان دارد و با این روش‌های گویلزی نمی‌توان جوان امروزی را خام حرف‌های نابخردانه و دروغ کرد؛ آن‌هم در تاریخ ۳۰ سال اخیر که روایت‌ها سینه به سینه به نوباوگان منتقل شده و به این راجتی قابل دست‌کاری نیست.

در تاریخ سینمای جهان می‌خوانیم که گویلز، وزیر تبلیغات هیتلر، سعی بلیفی کرد تا با تولید مستندهای پرطمطراق از موفقیت‌های آلمان نازی، دیدگاه جهانیان را به خونخوار قرن بیستم مثبت کند؛ اما راه

به جایی نبرد؛ آن‌هم در زمانی که پیام رسانه، مانند گلوله جادویی بر قلب مخاطب می‌نشست. دستگاه تبلیغاتی اتحاد شوروی هم در این زمینه پیشتاز بود

و فیلم‌های بزرگی در ستایش کمونیسم و روش

زنانی که من دیده‌ام

کاشف زیبایی‌های زندگی



زهرا عمرانی

او تماس گرفت و پرسید که اگر دو کودک را معرفی کند، آیا ژئلا علاقه‌مند است که ماهانه به آنها کمک کند؟ بی‌درنگ قبول کرد. ژئلا متمول نبود، اما لذت تغییر شرایط خود از طریق تحصیل را چشیده بود و دوست داشت همه بچه‌ها بتوانند چنین لذتی را تجربه کنند. ازاین‌رو تنها شرطی که گذاشت این بود که این کمک از همان نوعی باشد که خودش تجربه کرده بود؛ یعنی کمک مستقیم نباشد، بلکه هزینه ماهانه را به‌عنوان بورس تحصیلی بپردازد و کارنامه بچه‌ها را در سال ببیند. او داستان این تصمیم را با دوستان و همکارانش مطرح کرد و آنها هم مشتاق شدند تا به این جریان بپیوندند و سازوکاری تدارک دید تا این کمک‌های ناچیز ماهانه تبدیل به حرکتی بزرگ شود. کم‌کم تعداد بچه‌ها بیشتر و بیشتر شد. در این بین برادر ژئلا بر اثر تصادف، فوت می‌کند و پزشکان سرطان پیشرفته را در بدن ژئلا تشخیص می‌دهند. ژئلا اما خیال تسلیم ندارد. با وجود دست‌وپاگیربودن درمان‌ها و نیاز به استراحت‌های مداوم، سالی دو بار به ایران می‌آید. وقتی تعداد بچه‌ها به صد نفر می‌رسد، ژئلا به فکر دادن سازمان و ساختاری به این کار رسید، ازاین‌رو با کمک دوستانی که در ایران داشت، خانه پدری خود را در محله تختی، به دفتر مؤسسه تبدیل کرد و به دنبال امور ثبت رفت. به‌این‌ترتیب «انجمن یاران دانش و مهر» که از سال ۷۹ فعالیت خود را به صورت غیررسمی آغاز کرده بود، در سال ۱۳۹۰ به ثبت می‌رسد و ژئلا کاشف وارد فاز جدیدی از زندگی خود می‌شود. حالا دیگر بچه‌هایی که به دفتر انجمن معرفی می‌شوند فقط بچه‌های کارگران کارخانه اسلامشهر نیستند؛ حالا انجمن به بیش از ۴۵۰ دانش‌آموز و دانش‌جو کمک می‌کند. دانش‌آموزانی که ژئلا هربار به آنها نگاه می‌کند، کودکی خود را در چشمانشان می‌بیند؛ روزهای سختی را که گذرانده و روزهای شیرینی را که برای خود ساخته است. ژئلا سرسخت و مقاوم است، هرچند بیماری از سنین جوانی به او امان نداده تا بچه‌دار شود، اما خیالش راحت است که بیش از هزار کودک، در این سال‌ها بدونغدغه کار و کسب درآمد توانسته‌اند درس بخوانند و کودکی کنند. او زندگی را زیبا می‌بیند و خود در زیباترکردن آن نقش دارد.

اتفاق



رسیده است. این شماره مجله همچنین در بخش شعر، اثری از محمود کیانوش با عنوان «به نام حقیقت پنهان»، در بخش کسندوکاو گفت‌وگویی با همایون کاتوزیان با عنوان «خلیل ملکی ملی‌گرا نشد»، در بخش خاطرات فرهنگی «بچه‌ها سلام!» درباره دو هنرمند فقید، صبحی مهتدی و ل‌لی تقی‌پور به قلم ویکتوریا دانتشور را در خود دارد. داستان «انتخاب» از آرنابا ساها، مقاله‌ای درباره داستان گمشده‌ای از ولت وتمن و معرفی کتاب از دیگر بخش‌های دیگر این شماره مجله هستند که در ۲۲۰ صفحه و به قیمت ۲۵ هزار تومان منتشر شده است.

تپش سایه دوست در «نقدوبررسی کتاب»

شماره ۶۰ فصلنامه نقد و بررسی کتاب منتشر شد. در شماره پاییز ۱۳۹۷ این فصلنامه آموزشی، اطلاع‌رسانی، تحلیلی در زمینه مسائل اجتماعی- فرهنگی بخش ویژه‌ای به نودمین زادروز سهراب سپهری اختصاص یافته که در این بخش با عنوان «تپش سایه دوست» آثاری از ایرج پارس‌نژاد، محمدحسین عزیزی، شاهرخ مسکوب و فرید جواهرکلام به چاپ

